



وزارت معارف

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

دری

صنف هشتم

برای مکاتب پشتو زبان



سال چاپ: ۱۳۸۸ ه. ش.



وزارت معارف

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

دری

صنف هشتم

برای مکاتب پشتوزبان

کتابهای درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن در بازار
جداً ممنوع است. با متخلفان برخورد قانونی صورت می گیرد.

سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ. ش.

کمیته تجدید نظر

کمیته محتوا و لسان:

- شکیلا شمس هاشمی آمر دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- عبدالرزاق کوهستانی عضو علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- سید محمود پایماناری عضو علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- پوهندوی عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دیپارتمنت دری.
- خدیجه معلم لیسه زرغونه.
- دکتور شفیفه یارقین مشاور و رئیس امور تربیوی وزارت معارف.
- پوهنوال حمیدالله ویدا عضو شورای علمی وزارت معارف.

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دکتور محمد یوسف نیازی مشاور وزارت معارف.
- محمد آصف ننگ رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.
- مایل آقا متقی عضو دیپارتمنت علوم دینی.

کمیته نظارت

- دکتور عبدالغفور غزنوی معین انکشاف نصاب تعلیمی، مرکز ساینس و نشرات وزارت معارف
- رئیس کمیته
- عضو
- محمد صدیق پتمن معین تدریسی وزارت معارف
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی عضو

کمپوز و دیزاین:

- وزیر گل صدیقی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام

خداوند جل جلاله را سپاسگزاریم که در نتیجه ارادهٔ راسخ و قربانی های ملت مجاهد ما و مساعی جمیله سازمان ملل متحد و کشورهای بشردوست جهان، صلح سراسری و نظام سیاسی مشروع در کشور استقرار یافت و به مصیبت چندین سالهٔ ناشی از جنگ پایان داد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان و در رأس جلالتمآب حامد کرزی از بدو تاسیس نظام مردمی حاکم، به منظور نیل به اهداف والای ملی، طرح پروگرام های نوینی را در تمام عرصه های باز سازی و انکشافی کشور در دستور کار خویش قرار داده است. با سپاس بیکران از حمایت بیدریغ و رهنمودهای دایمانهٔ جلالتمآب شان تلاشهای پیگیر و اقدامات موثری در عرصهٔ تعلیم و تربیه و در راستای نوسازی و شکوفایی معارف و تربیت نسل جوان به مثابهٔ افراد دارای روحیهٔ اسلامی، وحدت ملی، انسانهای متمدن و مسلمانان واقعی و نیرومند در مرحلهٔ تطبیق قرار دارد، که خیلی ها ارزنده و حایز اهمیت است. وزارت معارف در راستای طرحها و ابتکاراتی که در جهت بازسازی معارف افغانستان روی دست دارد، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی را موظف گردانید، تا از یک طرف مشکل کمبود و نبود کتب درسی مکاتب را رفع نماید و از جانب دیگر در روشنی پالیسی و اهداف علمی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به تهیه و تدوین نصاب تعلیمی واحد که جوابگوی نیازمندیهای حال و آیندهٔ کشور باشد، بپردازد. هدف نصاب تعلیمی جدید، تربیت و تعلیم اسلامی و علمی اولاد وطن که با مقتضیات جامعهٔ ما و معیارهای بین المللی موافق بوده و در راستای محتوای آن تفکر سالم را در اندیشهٔ اطفال، نوجوانان و جوانان دانش آموز تقویت نماید و آنان را با دست آوردهای دانش نوین آشنا سازند، می باشد. جوانان کشور ما باید مسلمانان متدین، وطندوست، مردم دوست، مجهز با زیور علم و کمال بار آیند و با انکشاف علوم و پیشرفت تمدن معاصر آشنایی حاصل نموده، با عزم راسخ از تحولات جدید و مثبتی که به میان آمده، مستفید گردند. آنها به منظور ساختن افغانستان نوین و ایجاد جامعهٔ مرفه، علاوه بر تحولات ساینس و تکنالوژی، بایست از اساسات علوم انسانی، حقوق بشر، صلح، وحدت ملی و همزیستی مسالمت آمیز آگاه بوده، وطندوستی، حفظ محیط سالم زیست، مبارزه با جهل و تولید و قاچاق مواد مخدر را در اولویت های امور تعلیمی و آموزشی خود قرار دهند. از معلمان صدیق، دلسوز و با تجربه ما که در تطبیق نصاب تعلیمی جدید، مسؤولیت عظیم آموزش و پرورش اولاد کشور را به عهده دارند و از سایر شخصیت های علمی، فرهنگی و دانشمندان عرصه معارف کشور تمنا داریم، با ارائه نظریات و پیشنهادات سازندهٔ خویش مؤلفان ما را در تألیف و بهبود کتب درسی همکاری نمایند. همچنان از کشورها و سازمان های محترم تمویل کننده (دانیدا، یونیسف، یونیسکو، بانک جهانی و ادارهٔ انکشاف بین المللی ایالات متحدهٔ امریکا) که در چاپ کتب، وزارت معارف را همکاری مادی نموده اند، سپاسگزار هستیم. امیدواریم تمام شاگردان عزیز، معلمان گرامی، مادران و پدران محترم در حفظ کتابهای درسی از هیچگونه کمک و همکاری دریغ نفرمایند.

فاروق وردک

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۹	حکایت	۱	حمد
۳۰	مطالعه	۲	نعت سید المرسلین *
۳۲	غمخواری و ترحم	۳	علم
۳۳	حکایت	۵	اطاعت از اوامر خداوند *
۳۴	علم	۷	نامه یی از حضرت علی کرم ...
۳۵	حضرت سلمان فارس <small>رضی الله عنه</small>	۹	هجرت
۳۶	حکایت	۱۰	حضرت عثمان *
۳۷	عریضه شمول به مکتب	۱۱	صبر و پایداری
۳۷	سخنی از گلستان سعدی	۱۳	سنایی غزنوی
۳۸	مناجات	۱۴	نفاق
۳۹	ابو علی سینا	۱۵	اندرزها
۴۰	مرغ وقفس	۱۶	دوری از صحبت جاهلان
۴۲	غنچه دل	۱۷	حکایت
۴۳	آفتاب طلوع کرد	۱۸	عمل خالص
۴۴	مادران صلح میخوانند	۲۰	نچار
۴۵	عادات بد و نتایج آن	۲۱	مشورت
۴۷	اقسام ماین و جلوگیری ...	۲۲	سخنان برگزیده
۴۸	ضررهای تنباکو	۲۳	داد و دهش
۴۸	شفاخانه	۲۴	نصایح
۴۹	میوه تازه را پیش از ...	۲۵	دروغ
۵۱	غذاهای مفید	۲۷	در فضیلت امامان دین
۵۲	رخصتی عمومی	۲۸	نامه به برادر

حمد

خدایا، جهان پادشاهی تراست
زما خدمت آید، خدایی تراست
پناه بلندی و پستی توای
همه نیستند، آنچه هستی توای
همه آفرید ست بالا و پست
توای آفریننده هر چه هست
زگرمی و سردی و از خشک وتر
سرشتی به اندازه یکدگر
شب و روز در شام و در بامداد
تو بر یادی، از هرچه دارم به یاد
چو خواهم ز تو روز و شب یآوری
مکن شرمسارم در این داوری

معنی	لغت	معنی	لغت
کمک	یآوری	بخشنده گناهان	بخشاینده
قضاوت	داوری	آمیختی	سرشتی

نعت سید المرسلین ﷺ

شکر حق را که پیشوا داریم پیشوایی چو مصطفی داریم
 مهتر و بهتر و گزین همه سرور و خاتم و نگین همه
 او شریعت بیان کند ما را او طریقت عیان کند ما را
 صلوات خدای بر وی باد تا به روز جزا پیاپی باد
 امت او و دوستدار وییم دوستدار چهار یار وییم
 چون ابوبکر و عمر و عثمان مرتضی دان علیهم الرضوان

رحمت حق نثار یارانش

باد بر جمله دوستدارانش

شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری

معنی	لغت	معنی	لغت
چو	مهتر	مثل، مانند	بزرگتر
گزین	سرور	انتخاب شده	پیشوا، رئیس، بزرگ
خاتم	عیان	آخر، به معنای انگشتر	ظاهر و آشکار
مرتضی		پسندیده و لقب حضرت علی ﷺ	
علیهم الرضوان		خداوند ﷺ از آنها خوشنود باشد.	

کارخانه گی: شاگردان نعت شریف را در کتابچه های خویش بنویسند.

علم

علم و معرفت مانند نوربست که قلب، دماغ و راههای کامیابی انسان را روشن میسازد؛ از گمراهی نجات میبخشد و راه رسیدن به آمال و آرزوهای انسانی را نشان میدهد.

جهل و نادانی، ظلمت و تاریکی انسان را به هزاران خوف و خطر، ذلت و خواری مبتلا میسازد.

بنابراین به مفهوم آیه شریفه دقت کنید که خداوند ﷻ در بین عالم و جاهل چگونه فرق گذاشته است؛ چنانچه میفرماید: "آیا برابرند، کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند؟" یعنی هرگز عالم و جاهل باهم مساوی و برابر نمیباشند؛ زیرا عالم با آموختن علم و عمل کردن به آن، سعادت دنیا و آخرت را دریافت میکند و جاهل در هر دو جهان به دردها، رنجها و مصیبتها گرفتار است.

بهترین چیزی که بشر را در زنده‌گی، آبرو و عزت میبخشد، علم است و عمل. هیچ مقامی بالاتر از مقام علم نیست، چه انسان به واسطه آن خود را میشناسد و به خداوند خود معرفت حاصل میکند. بنابراین طالب علم اولتر از همه باید اساسات علم دین مبارک اسلام را بیاموزد و به آن عمل نماید؛ زیرا گفته اند: "میوه علم عمل است." اگر عالمی به علم خود عمل نمیکند؛ مانند: درخت بی ثمر ارزشی ندارد. بعد آنچه مربوط به تخنیک و صنعت است، کسب کند؛ زیرا در زنده‌گی به علم تخنیک و ساینس نیز احتیاج و ضرورت داریم و باید از آنها بی بهره نباشیم. همیشه برای آسوده گی بشر از آن استفاده نماییم و برای خدمت به بشر تخنیک و دانش خود را به کار بریم؛ اوقات عزیز خود را

ضایع نماییم؛ وسایل رفاه و آسایش بشر را آماده سازیم و علم خود را مورد استفاده جهان قرار دهیم؛ به اختراعات و اکتشافات دست زیم و با نیروی ایمان، آگاهانه برای ترقی اسلام کوشش کنیم.

معنی	لغت	معنی	لغت
شناسایی	معرفت	کامیابی	پیروزی
پرهیزگاری	تقوا	آرامی	رفاه
فخر کردن	افتخار	خواری	ذلت
ساختن یک چیز برای نخستین بار	اختراع	گرفتار	مبتلا
		رنج، غم	مصیبت

پرسشها:

- ۱- علم و جهل از هم چه فرق دارند؟
- ۲- ما اولتر از همه کدام علم را بیاموزیم؟
- ۳- کدام علم به نزد مسلمانان محبوبتر است؟
- ۴- زمانی که علم دین و ساینس و تخنیک را آموختید، از آنها چگونه استفاده میکنید؟

کارخانه گی:

شاگردان، پنج سطر در مورد اهمیت علم در کتابچه های خود بنویسند.

اطاعت از اوامر خداوند ﷻ

بر هر مؤمن و مسلمان فرض است که از اوامر خداوند ﷻ اطاعت کند. کسانی که اوامر خداوند ﷻ را بجا کنند و از چیزهایی که منع شده است، پرهیز نمایند، کامیابی دنیا و آخرت نصیب شان می‌گردد.

به طور مثال: ما در این جا از جمله اوامر خداوند ﷻ یک امر وی را یادآور میشویم که خداوند ﷻ میفرماید: "خاص مرا عبادت کنید و از شرک پرهیزید." هر انسانی که خداوند ﷻ را عبادت میکند و تابع اوامر خداوند ﷻ میباشد، هرگز حاضر نمی‌شود که در برابر مشرک، ملحد و نافرمان، خود را تسلیم نماید؛ زیرا میداند که خداوند قادر و توانا ﷻ با اوست.

اگر تمام مسلمانان جهان از جمیع اوامر خداوند ﷻ اطاعت کامل کنند، کامیابی دو جهان را حاصل مینمایند. اگر خدا ناخواسته از اوامر خداوندی سرکشی نمایند و به قسم پراگنده و متفرق باشند، از یک طرف مرتکب گناه بزرگ میشوند و از طرف دیگر ترسیدن و بزدلی آنها سبب مغلوبیت و ناکامی شان می‌گردد.

پس ما اطاعت از اوامر خداوندی را یک امر لازمی و ضروری میدانیم و تا زنده ایم، از اوامر خداوند و دین مقدس اسلام پیروی مینماییم تا آبرو و عزت دنیا و آخرت را حاصل نماییم.

معنی	لغت	معنی	لغت
تیت و پراگنده	متفرق	امرها و حکمها	اوامر
شکست خورده	مغلوب	به خداوند چیزی را	شرک
کامیابی	ظفر	شریک دانستن	قدرت
دست یافتن به کاری	توفیق	توانایی	لواء
		ببرق	وسایل
		اسباب	دستور
		قاعده و قانون	

پرسشها:

- ۱- کسانی که از اوامر خداوند ﷺ اطاعت میکنند، چه فایده می یابند؟
- ۲- اطاعت خداوند ﷺ در قرآن کریم چگونه ثابت شده است؟
- ۳- پراگنده گی و اختلاف چه نتیجه یی به انسان بار می آورد؟

نامه یی از حضرت علی کرم الله وجهه

وقتی که حضرت علی کرم الله وجهه والیان و ماموران را برای اداره و اجرای امور شهرها مقرر میکردند، آنان را مکلف میساختند تا فرمان خلیفه چهارم را به دقت مطالعه نمایند و مفاد آن را در اجراءات روزمره شان جداً در نظر بگیرند. اینک قسمتی ازین فرمان را که به والی مصر، مالک اشتر، سپرده بودند، به صورت ایجاز و اختصار مینویسیم:

"سعادت هر دو جهان به رضای خداوند بزرگ حاصل می شود. هیچ طاعتی بدون رضائیت و خوشنودی خدای بزرگ مقبول نیست.

ای مالک، آیا میتوان توشه یی بهتر از نیکوکاری برای آخرت سراغ کرد؟ چه چیز میتواند گرانبهارتر از عدل و داد برای والیان باشد؟ پس بر غضب و خواهشهای نفسانی پای بگذار و از آنچه بر تو حلال نیست، پرهیز و اجتناب کن. در فیصله دعوای بین دو شخص کاملاً بیطرف باش واز هیچ کس طرفداری مکن.

ای مالک، بر همه مهربان باش و مردم را به چشم احترام بنگر. مردمانی که تحت فرمان تو قرار دارند، از دو گروه بیرون نیستند. یا مسلمان اند یا پیرو یک دین دیگر. چون همه مانند تو بشر اند مثلی که تو در زنده گی اشتباه میکنی، آنان نیز اشتباه میکنند. پس با مردم طوری پیشامد نما که توقع داری خداوند بزرگ با تو همان طور پیشامد نماید.

تو بر مصر حکومت میکنی و امیر المؤمنین بر تو؛ ولی پروردگار بزرگ بر همه ما حاکم است و ما را در همه حال می آزماید. هر امری که از مقام بالاتر برایت میرسد، نخست آن را با نظر داشت امر خدای بزرگ خوب بسنج. اگر امر خداوند

بزرگ، ترا از آن کار منع می‌کند، فرمان خداوند ﷺ را بپذیر و مطابق آن رفتار کن. هرگز امری را کورکورانه قبول مکن و هیچ‌گاه مخواه که مردم از تو کورکورانه تقلید کنند.

ای مالک، با تمام وسایل و نیرویی که در اختیار داری، در راه رضای خداوند و سعادت ملت بکوش؛ زیرا ملت نگهبان کشور است. ای مالک، ملت را از آن خود بدان تا ملت ترا از آن خود بداند.

معنی	لغت
مجبور	مکلف
مختصر کردن	ایجاز و اختصار
نتیجه و فایده	مفاد
چیزی که با خود در سفر بر میدارند و در اینجا مراد اعمال نیکی است که انسان آن را برای آخرت خود فراهم میکند.	توشه
عدل	داد
اول	نخست
چشمداشت، انتظار	توقع
قوه و توان	نیرو

سفارش‌ها:

استاد در مورد این متن چند سوال از شاگردان بکند و از آنان نتیجه این حکایت را بخواهد. وقتی که آن را به زبان ساده بیان میکنند، با آنها کمک نماید.

هجرت

هجرت دور شدن و جدا شدن از منزل و مسکن اصلی به خاطر رضای خداوند ﷺ میباشد. کافران مکه پیش از هجرت مسلمانان همه وقت مانع نشر دین مقدس اسلام میگردیدند و مسلمانان را نمیگذاشتند که اوامر خداوند ﷺ را به طور آزادانه به جا نمایند، حتی چندین مرتبه قصد کشتن حضرت پیغمبر ﷺ را کردند. بناءً حضرت پیغمبر ﷺ به قصد نشر بهتر دین مقدس اسلام به امر خداوند ﷺ به مدینه منوره هجرت نمودند و مردم مدینه منوره از حضرت شان و همه مسلمانان استقبال نیک کردند، حتی از مال و دارایی خود به مهاجرین کمک نمودند و مردم دسته دسته به حضور پیغمبر ﷺ مشرف شدند و دین اسلام را پذیرفتند.

چون در مدینه منوره تعداد مسلمانان روز به روز زیاد میشد، کفار مکه از این وضع سخت در تشویش بودند و دسایس گوناگون مطرح مینمودند؛ اما بالاخره در سال هشتم هجری مکه معظمه کاملاً به دست مسلمانان فتح شد.

معنی	لغت	معنی	لغت
پیشامد	استقبال	جای سکونت	مسکن
شرف یافته	مشرف	بزرگ شده	معظمه
بی معنی	بی مفهوم	روشن شده	منوره
		پراکنده، پخش نمودن	نشر

پرسشها:

- ۱- هجرت در کدام وقت بالای مسلمانان لازم است؟
- ۲- مردم مدینه منوره به مقابل مهاجرین چگونه روشی نمودند؟

کارخانه گی:

شاگردان در مورد خیر خواهی و کمک به دیگران پنج سطر بنویسند.

حضرت عثمان ؓ

حضرت عثمان ؓ خلیفه سوم مسلمانان است. اسم پدرشان عفان بود. حضرت عثمان ؓ صاحب اخلاق نیکو، بسیار حلیم و با حیا بودند. در تمام حیات خود سخن بد به کسی نگفته اند. در زمان خلافت شان قرآن کریم دوباره ترتیب و به هر جا فرستاده شد، از آن سبب ایشان را جامع القرآن مینامند. حضرت عثمان ؓ صاحب سخاوت بودند و دارایی خود را در راه اسلام مصرف کردند. مردم وطن ما در زمان حضرت عثمان ؓ به دین اسلام مشرف شدند. ایشان بعد از دوازده و نیم سال خلافت در حال تلاوت قرآن کریم توسط مخالفین به شهادت رسیدند.

لغت	معنی	لغت	معنی
حلیم	نرم خوی یا بردبار	سخاوت	بخشش کردن

پرسشها:

- ۱- حضرت عثمان ؓ بعد از کی خلیفه شد و نام پدرشان چه بود؟
- ۲- صفات بزرگی که حضرت عثمان ؓ داشت، کدامهاست؟

سپارش:

سوانح حضرت عثمان ؓ را شاگردان در کتابچه های خود تحریر و خلاصه آنرا حفظ نمایند.

صبر و پایداری

در آغاز اسلام مسلمانان بسیار کم و اکثر آنان نادار، فقیر و زحمتکش بودند. آنان از دل و جان به خداوند بزرگ و پیامبر او ایمان داشتند. به دین مقدس اسلام استوار بودند، برای حفظ دین مقدس اسلام و پیشرفت آن سعی و تلاش میکردند و از سر، مال و جان خود میگذشتند.

بت پرستان مکه معظمه، مردمانی را که تازه مسلمان شده بودند، مورد آزار قرار میدادند و به آنان کلمه های زشت و ناهنجار استعمال مینمودند.

بعضی اوقات کار به جایی میرسید، که مسلمانان را مورد استهزاء و تمسخر قرار میدادند. آنان را به شیوه های گوناگون شکنجه میکردند. زره آهنی بر تن مسلمانان می کردند و ایشان را در زیر آفتاب سوزان ایستاده مینمودند. بت پرستان با این شکنجه های شدید، میخواستند، مسلمانان دوباره بت پرست شوند و از دین مقدس اسلام دست بردارند و به حضرت محمد ﷺ خدای ناخواسته ناسزا بگویند؛ ولی مسلمانان فداکار شکنجه های شدید را تحمل میکردند و حاضر نمیشدند از ایمان به خدای ﷻ یگانه و پیروی از حضرت محمد ﷺ دست بردارند.

آنان به اندازه بی صبر و استقامت از خود نشان میدادند که بت پرستان مکه معظمه خسته میشدند و اظهار ناتوانی و پشیمانی میکردند. به راستی همان قوه ایمان و پایداری مسلمانان شجاع و دلاور بود که سبب گسترش و تقویت دین اسلام گردید.

عمار بن یاسر ﷻ یکی از جمله این مسلمانان فداکار بود. بت پرستان سیاه-دل او و مادرش بی بی سمیه و پدرش حضرت یاسر ﷻ را از شهر بیرون میبردند و در زیر آفتاب سوزان در ریگهای داغ و آتشین مکه معظمه شکنجه میدادند.

بی بی سمیه نخستین کسی بود که در راه دین اسلام و زیر شکنجه بت پرستان شهید شد.

حضرت بلال رضی الله عنه نیز یکی از فداکاران دلاور اسلام بودند. ایشان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را از جان خود گرامیتر میداشتند. بت پرستان او را در زیر آفتاب سوزان روی ریگهای داغ می انداختند. سنگ بزرگی روی سینه اش میگذاشتند و از او میخواستند که دست از دین مقدس اسلام بردارد و به خداوند صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله ناسزا بگوید و بتها را به نیکویی یاد کند؛ ولی این مرد بزرگ هرگز به حرف مشرکان گوش نمیداد و همیشه میگفت: احد احد. به این ترتیب فدا کاران دین مقدس اسلام رنجها و تکالیف فراوان دیدند و شکنجه ها کشیدند و دین پاک اسلام را برای ما به میراث گذاشتند.

معنی	لغت
مسخره کردن	استهزاء
روش	شیوه
پهن شدن، پخش شدن.	گسترش
دشنام	ناسزا

پرسشها:

- ۱- در آغاز اسلام کفار به مقابل مسلمانان چه میکردند؟
- ۲- مسلمانان را چگونه میدادند؟
- ۳- کفار در برابر عمار چه کردند؟
- ۴- برای ترقی اسلام چه اقدامات سالم باید کرد؟

سنایی غزنوی

ابوالمجد محدود بن آدم ملقب به سنایی از بزرگترین شعرا و علمای عصر خود محسوب میگردد. وی در سال ۴۷۳ ه.ق. در غزنی متولد شد و در سال ۵۴۵ ه.ق. در آنجا وفات یافت و با احترام خاص در آرامگاه ابدیش دفن گردید. مرقدش در سر راه واقع شده و زیارتگاه خاص و عام می‌باشد. نمونه کلامش اینست:

هم صحبت بد

با بدان کم نشین که درمانی	خو پذیر است نفس انسانی
طلب صحبت خسان نکنی	تکیه بر عهد ناکسان نکنی
که نکرده ست خس وفا باکس	سگ به گاه وفا به از ناکس
گر رخ نا کسان نبینی به	با خسان هر چه کم نشینی به
زانکه ناکس ز دد بتر باشد	راست خواهی ز بد بتر باشد
گر چه نیکی بدان کنند بدت	کم کند صحبت بدان خردت
بد بد است ارچه نیک دان باشد	سگ سگ است ارچه پاسبان باشد
پای درکش زهم نشینی شان	دیده بر دوز تانبینی شان

دوستیت مباد با نادان

که بود دوستیش آفت جان

نفاق

خداوند ﷺ همه مسلمانان را به اتحاد و اتفاق امر نموده است. هر کس که در بین مسلمانان نفاق می اندازد و سبب جدایی مسلمانان می‌گردد، در حقیقت پیرو شیطان میباشد و گناه بزرگ را مرتکب میشود.

نفاق جامعه را فاسد می‌سازد؛ زیرا هر کدام از افراد جامعه به جای اخوت و برادری با یک دیگر دشمنی میکنند. هر گاه به جای اطاعت از قانون اسلام از قانونهای غیراسلامی پیروی گردد، در این صورت عوض یک راه چند راه پیدا میشود و این خود سبب دشمنی و خصومت میگردد.

مملکت عزیز ما افغانستان سر زمینی است که همه مردم آن مسلمان اند و در هر عصر و زمان از دین مقدس اسلام دفاع کرده اند. پس برای ما لازم است تا متحدانه برای ترقی و پیشرفت وطن عزیز خود کار کنیم، زحمت بکشیم و ریشه های نفاق، دشمنی، جهل و نادانی را از میهن عزیز خویش نا بود سازیم چنانچه حافظ شیرازی فرموده اند:

نهال دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
درخت دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد
یا به گفته حضرت بیدل:

زاتفاق مگس شهد میشود پیدا
خدا چه لذت شرین در اتفاق نهاد

معنی	لغت
دورویی، ضد اتفاق	نفاق
برادری	اخوت
دشمنی	خصومت
از کسی حمایت کردن، وطن، ناموس و حقوق خود را از تجاوز دشمن حفظ کردن.	دفاع

پرسشها:

- ۱- کسانی که در بین برادران مسلمان نفاق می اندازند، چه کسانی اند؟
- ۲- نفاق در بین یک جامعه اسلامی چه ضررها دارد؟
- ۳- اگر در بین مسلمانان اتحاد کامل به وجود آید، چه فایده ها نصیب شان میگردد؟

اندرزها

- ۱- دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بیفایده کردند: یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگری آنکه آموخت و نکرد.
- ۲- یکی را گفتند: عالم بی عمل به چی ماند؟ گفت: به زنبور بی غسل علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست، نادانی
- ۳- لقمان حکیم را گفتند: ادب از کی آموختی؟ گفت: از بی ادبان. هرچه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از آن پرهیز کردم.

معنی	لغت
کمایی کردن، ذخیره کردن	اندوختن
علم آموخت و عمل نکرد	آموخت و نکرد

سپارش:

اندرز سومی را شاگردان به خط خوانا در کتابچه های خود بنویسند.

کارخانه گی: شاگردان در مورد اهمیت اتحاد، شش سطر در کتابچه های خود

بنویسند.

دوری از صحبت جاهلان

دلا، گر خردمندی و هوشیار
مکن صحبت جاهلان اختیار
ز جاهل گریزنده چون تیر باش
نیامیخته چون شکر، شیر باش
ترا ازدها گر بود یار غار
از آن به که جاهل بود غمگسار
اگر خصم جان تو عاقل بود
به از دوستداری که جاهل بود
چو جاهل کسی در جهان خوار نیست
که بد تر از جاهلی دیگر کار نیست
ز جاهل نیاید جز افعال بد
و ز و نشنود کس جز اقوال بد
سرانجام جاهل جهنم بود
ز جاهل نیکو عاقبت گم بود
سر جاهلان بر سر دار به
که جاهل به خواری گرفتار به

ز جاهل حذر کردن اولی بود

کزو ننگ دنیا و عقبی بود

معنی	لغت
دانا و هوشیار	خردمند
مار بزرگ و خطرناک	اژدها
غمخوار، همدرد	غمگسار
دشمن	خصم
نادان	جاهل
کارها	افعال
گفته ها	اقوال
آخر کار، نتیجه	سرانجام
مخفف بهتر	پسه
لایقتر، بهتر	اولی
آخرت	عقبی

حکایت

درویشی مستجاب الدعاء در بغداد پدید آمد. حجاج بن یوسف را خبر کردند، بخواندش و گفت دعای خیر بر من بکن! گفت: خدایا، جانش بستان! گفت: از بهر خدای، این چه دعاست؟! درویش گفت: همین دعای خیر است، ترا و جمله مسلمانان را.

ای زبر دست زبردست آزار
گرم تا کی بماند این بازار
به چه کار آیدت جهانداری
مردنت به که مردم آزاری

سعدی

حجاج بن یوسف:

حکمران عراق یک شخص ظالم و مستبد بود، هفتاد هزار نفر را در وقت زمامداری خود به ناحق به قتل رسانده بود.

معنی	لغت
فقیر گوشه نشین	درویش
کسی که دعایش مورد قبول خداوند ﷻ باشد.	مستجاب الدعاء
پیدا شدن	پدید آمدن
خواستش	بخواندش
بگیر	بستان
بالا دست، قوی	زبردست

سپارش:

معلم صاحب، نتیجهٔ درس را برای شاگردان بیان نماید.

عمل خالص

هر که باشد اهل ایمان، ای عزیز
پاک دارد چهار چیز از چهار چیز
از حسد اول تو دل را پاک دار
خویشتن را بعد از آن مؤمن شمار
پاک دار از کذب و از غیبت زبان
تا که ایمانت نیفتد در زیان
پاک گر داری عمل را بی ریا
شمع ایمان ترا باشد ضیا
چون شکم را پاک داری از حرام
مرد ایماندار باشی والسلام
هر که دارد این صفت، باشد شریف
ور ندارد، دارد ایمان ضعیف

هر که باطن از حرامش پاک نیست
روح او را ره سوی افلاک نیست
چون نباشد پاک اعمال از ریا
هست بی حاصل چو نقش بوریا
هر که را اندر عمل اخلاص نیست
در جهان از بنده گان خاص نیست
هر که کارش از برای حق بود
کار او پیوسته بارونق بود

شیخ عطار

معنی	لغت
کار بی ریا	عمل خالص
به مال و دارایی دیگران رشک بردن و زوال آن را خواستن	حسد
روشنی	ضیاء
مکر، فریب	ریا
پاک داشتن عبادت از ریا	اخلاص
بازیب	بارونق

سپارش:

شاگردان فرد آخر عنوان را به صورت مقاله کوچکی بنویسند.

نچار

بشنو از من قصهٔ نچار را میکند با شوق، او این کار را
اره دارد، تیشه دارد رنده ها میخرد ز آهنگر این افزار را
میز و الماری و چوکیهای خوب سازد او هم کوچ باز و دار را
ساخته نچار با افزار کار چوبهای خانه و دیوار را
روزها تا شام میباشد به کار میکشد او زحمت بسیار را

باشد هر کس احتیاج کار او

گیرد اجرت پیسهٔ بسیار را

مایل

سپارش:

این شعر را از بر کنید.

مشورت

مشورت کردن در کارها و مشکلاتی که برای انسان واقع میشود، یک امر شرعی میباشد. چنانچه خداوند بزرگ ﷺ به حضرت پیغمبر ﷺ فرمود که: " در کارها با اصحاب و یاران خود مشورت بکن"، از این امر خداوند ﷺ دانستیم که مشورت در کارها خیلی اهمیت دارد؛ زیرا حضرت محمد ﷺ با این که پیغمبر خدا ﷺ از جمله برگزیده ترین انسانها بودند، با آنهم حق تعالی ایشان را به مشورت و مصلحت امر فرموده است.

در زنده گی بسیار دیده ایم که کارهای خود سرانه و بی مشورت عاقبت خوب نداشته ناقص و ناتمام مانده است؛ مگر کارهایی که با مشورت اشخاص دانا و دوستان با تجربه انجام می شود، نواقص نداشته مورد پسند همه واقع میشود؛ زیرا یک شخص به تنهایی نمیتواند که از تمام جوانب یک موضوع، آگاهی یابد. پس برای همه مسلمانان لازم است که در همه امور حیاتی خویش به پیروی از قرآن کریم و احادیث حضرت محمد ﷺ با اشخاصی که عالم و اهل مشورت باشند، مشوره نمایند.

لغت	معنی	لغت	معنی
۱- مشورت	مصلحت کردن	۴- سنت	طریقه و روش
۲- برگزیده	پسندیده	۵- امت	پیرو
۳- تعالی	بلند	۶- امور	کارها

سیار شها:

- ۱- شاگردان فایده های مشورت و مصلحت را بیان کنند.
- ۲- سه لغت اول را در جمله ها استعمال کنند.
- ۳- از شاگردان خواسته شود یک مضمون نیم صفحه یی بنویسند و لغات فوق را در آن استعمال نمایند.

سخنان برگزیده

- ۱- پیامبر ﷺ فرموده است که: بهترین مسلمانان به پیشگاه خداوند ﷻ کسی است که اولتر سلام بدهد.
- ۲- وفا به عهد، میوه ایمان است.
- ۳- کسی که در امانت خیانت کند، ایمان کامل ندارد.
- ۴- مسلمان کامل کسی است که مسلمانان از دست و زبانش به سلامت باشند.
- ۵- وقتی که میخورید و یا مینوشید با دست راست بخورید و بنوشید.
- ۶- خوشبخت کسیست که به عیبجویی مردم نمیپردازد.
- ۷- خوشبخت کسیست که اخلاقش نیکو و دلش پاک و با صفاست.
- ۸- به بزرگان احترام و به خوردان مهربانی کنید.
- ۹- مسلمانان باید هنگام داخل شدن به مجلس و خارج شدن از آن سلام بدهند.
- ۱۰- خنده مسلمان باید همیشه به صورت تبسم باشد و از خنده قهقهه پرهیزد.
- ۱۱- کار امروز را به فردا مفگن.
- ۱۲- راستی موجب رضای خداست.
- ۱۳- آنچه به خود نمی‌پسندی، به دیگران مپسند.
- ۱۴- نفع خود را در نفع دیگران، جستجو کن.

معنی	لغت
لبخند	تبسم
خنده با آواز بلند	قهقهه

سپارش:

لغات فوق را در جملات اخلاقی استعمال نمایید.

داد و دهش

بیا تا جهان را به بد نسپریم
به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار
همان به که نیکی بود یادگار
همان گنج و دینار و کاخ بلند
نخواهد بُدن مرترا سودمند
فریدون فرخ فرشته نبود
به مشک و به عنبر سرشته نبود

به داد و دهش یافت آن نیکویی
تو داد و دهش کن فریدون توای
فردوسی

پرسش:

هدف بیت چهارم و پنجم را بیان کنید و خلاص آن را در کتابچه های خود به نشر بنویسید.

نصایح

- ۱- از حسد دوری نمایید؛ زیرا حسد و بد بینی گناه بزرگ است.
- ۲- از دروغ گفتن بپرهیزید؛ زیرا دروغ باعث شرمنده گی است.
- ۳- غیبت نکنید که غیبت نمودن مثل خوردن گوشت برادر مسلمان مرده مییاشد.
- ۴- با مردم همیشه به نرمی و مهربانی صحبت کنید.
- ۵- در جستجوی عیب دیگران نباشید.
- ۶- از تنبلی و غفلت دوری نمایید.
- ۷- سخنان خود را سنجیده بگویید.
- ۸- از گفتار بیهوده پرهیز نمایید.
- ۹- از مردم ابله و نادان بگریزید.
- ۱۰- از خدا بترسید که خدا ﷻ ناظر اعمال شماست.
- ۱۱- ز گهواره تا گور دانش بجوی.
- ۱۲- چو ایستاده ای، دست افتاده گیر.
- ۱۳- بر قضای خدا ﷻ راضی باشید.
- ۱۴- شکر سبب مزید نعمت میگردد.
- ۱۵- صبر تلخ است، و لیکن بر شیرین دارد.

معنی

رشک بردن، زوال نعمت کسی را خواستن
بی عقل، نادان

لغت

حسد
ابله

سپارشها:

- ۱- نصایح فوق را شاگردان عزیز به دقت بخوانند و در زنده گی خویش عملی نمایند.
- ۲- شاگردان دو لغت فوق را در جمله ها استعمال نمایند.

دروغ

کذب و دروغ در دین مقدس اسلام منع قرار داده شده است. هر که برای فریب مردم و نفع شخصی خود دروغ بگوید، از جمله مؤمنان کامل نمیباشد. اشخاص دروغگو قابل اعتماد جامعه اسلامی نیستند و همه مسلمانان او را به نظر حقارت میبینند.

شخص دروغگو از یک طرف حیثیت و آبروی خود را از دست میدهد و از جانب دیگر سبب فتنه و فساد در جامعه میگردد.

در حدیث شریف آمده است که علامت شخص منافق چهار است:

۱- وقتی که امانت به او سپرده شود، در آن خیانت کند.

۲- در سخن گفتن دروغ گوید.

۳- به عهد خود وفا ننماید و وعده خلافی کند.

۴- وقتی که جدال و جنگ کند، دشنام و سخنان فحش استعمال نماید.

کسی را که ناراستی گشت کار

کجا روز محشر شود رستگار؟

کسی را که گردد زبان در دروغ

چراغ دلش را نباشد فروغ

دروغ آدمی را کند شرمسار

دروغ آدمی را کند بی وقار

ز کذب گیرد خردمند عار

که او را نیارد کسی در شمار

دروغ، ای برادر مگوزینهار

که کاذب بود خوار و بی اعتبار

ز ناراستی نیست کاری بتر

از او گم شود نام نیک، ای پسر

معنی	لغت	معنی	لغت
روز قیامت	محشر	دروغ	کذب
نجات یافته، کامیاب	رستگار	پاک	مقدس
روشنی	فروغ	فایده	منفعت
بی عزت	بی وقار	پستی و خواری	حقارت
بسیار دروغگو	کذاب	تکیه کردن	اعتماد
ننگ	عار	آبرو	حیثیت
بپرهیز و آگاه باش	زنهار	شخص دوروی	منافق

پرسشها:

- ۱- آیا کسانی را که برای فریب مردم دروغ میگویند، مؤمن کامل گفته میتوانیم؟
- ۲- آیا شخص دروغگو حیثیت و آبرو دارد؟
- ۳- علامات منافق کدامها اند؟

کارخانه گی:

دروغ را عنوان قرار داده در مورد بدی های آن شش سطر از یاد بنویسید.

در فضیلت امامان دین

آن امامانی که کردند اجتهاد
 بوحنیفه بود امام با صفا
 باد فضل حق قرین جان او
 صاحبش بو یوسف قاضی شده
 رحمت حق بر روان جمله باد
 آن سراج امتان مصطفی ﷺ
 شاد باد ارواح شاگردان او
 وز محمد ﷺ ذوالمنن راضی شده
 یافت زیشان دین احمد ﷺ زیب و فر
 در همه چیز از همه برده سبق
 احمد حنبل که بود او مرد حق

روح شان در صدر جنت شاد باد!

قصر دین از علم شان آباد باد!

شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری

معنی	لغت
برتری	فضیلت
پیشوا	امام
استخراج مسایل شرعیه از قرآن و حدیث	اجتهاد
نام امام اعظم <small>رحمة الله علیه</small>	ابوحنیفه
چراغ	سراج
برگزیده و نامی از نامهای مبارک حضرت محمد ﷺ	مصطفی
نزدیک	قرین
دوست	صاحب
صاحب احسانها	ذوالمنن
زینت و زیبایی	زیب و فر
بالا و بلند	صدر
پیشی گرفتن، سبقت جستن	سبق

سپارش:

نظم فوق را شاگردان به نثر تبدیل کنند و در کتابچه های خود بنویسند.

نامه به برادر

برادر عزیز و عالیقدرم حمیدالله جان،
السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

نخست از همه صحت و سلامت شما و سایر دوستان را با موفقیتها
و پیروزیهای مزیدتان در امور دنیوی و اخروی از خداوند قادر تمنا دارم.
خدا کند آرام، سرخروی و سرفراز باشید.

نامهٔ محبت آمیزتان در حین انتظار برایم رسید. از این که نوید
دهندهٔ صحت و سلامتتان بود، خوش شدم و بدون معطلی به جواب نامهٔ شما
پرداختم. شما را اطمینان میدهم که همه برادران و دوستان و خانواده صحت
کامل دارند.

در خاتمه آرزومندم که سلام دوستانهٔ ما را به عموم دوستان و همکارانتان
تقدیم دارید.

با احترام

برادرتان نجیب الله

معنی	لغت
بلند مرتبه	عالیقدر
اول	نخست
زیاد	مزید
سربلند	سرفراز
خاطر جمعی	اطمینان

سپارش:

معلم صاحب معنای السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته را به شاگردان تفهیم
نماید.

حکایت

دانشمندی پسران خود را پند میداد که جانان پدر، هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید. سیم و زر همیشه در محل خطر است. یا دزد به یکبار ببرد، و یا خواجه به تفاریق بخورد؛ اما هنر چشمه ییست زاینده و دولتیست پاینده.

اگر هنرمند از دولت بیفتد، غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است هر جا که رود، قدر ببیند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چیند و سختی بیند.

هرکس از گوشه یی فرا رفتند	وقتی افتاد فتنه یی در شام
به گدایی به روستا رفتند	پسران وزیر ناقص عقل
به وزیر پادشاه رفتند	روستا زاده گان دانشمند

گلستان سعدی

معنی	لغت
یادگیری	آموزید
جای	محل
همیشه، مانده گار	پاینده
بالا و بلند	صدر
دهاتی زاده گان	روستازاده گان

سپارشها:

- ۱- شاگردان مقصود و نتیجه حکایت فوق را در کتابچه های خود بنویسند.
- ۲- شاگردان سه سطر اول را در کتابچه های خود بنویسند.

مطالعه

مطالعه و یا خواندن، عملیست که پرده های جهل و نادانی را از مقابل دیده گان انسان دور میسازد.

مطالعه برای انسان آگاهی میبخشد. مطالعه معرف همه خوبیهاست. با مطالعه و خواندن انسان خبیر و بینا میگردد؛ عالم میشود و صاحب کمال میگردد. مطالعه برای انسانها قوت و نیروی فکری میدهد.

مطالعه وسیله خوبیست، برای قادر ساختن انسان در شناخت خوب و بد. مطالعه انسان را تشویق میکند تا همیشه کار کند و زحمت بکشد. مطالعه برای همه میفهماند که چطور زنده گی کنند؛ چه مسؤولیتها را به دوش گیرند؛ چگونه رفع مسؤولیت کنند؛ به کدام راه بروند؛ با دیگران چگونه ارتباط گیرند؛ احتیاجات خود و دیگران را چطور رفع بسازند؟

مطالعه مشکلاتی را که انسان در زنده گی به آن مقابل میشود، حل مینماید و انسان را خدا شناس میگرداند.

در اثر مطالعه انسان با خود فیصله میکند که به خداوند ﷻ عبادت نماید، قانون خداوند ﷻ را بفهمد و مطابق آن عمل کند. هر شخص دیگر اگر خلاف قانون خداوند ﷻ کاری نماید، او را نیز نصیحت میکند و از کارهای بد بازش میدارد. سرانجام مطالعه با عث نیکبختی دنیا و آخرت است.

از همین جهت در قرآن کریم هم بسیار تأکید گردیده است که انسان باید بخواند و با خواندن و مطالعه راه بهتر را انتخاب نماید و به همان راه روان شود. پس وقتی که مطالعه این قدر منفعتها را با خود همراه دارد، به شاگردان عزیز توصیه میشود تا همیشه کتابهای سودمند و مفید اسلامی و سایر علوم را بخوانند و از آنها علم بیاموزند و مطابق آن عمل نمایند.

معنی	لغت
دیدن، خواندن	مطالعه
و اطلاع یافتن از چیزی.	
شناسایی و آشنایی	معرفت
آگاه و دانا	خبیر
منع میکند	بازمیدارد
بر داشتن	رفع
به شوق آوردن	تشویق
پیوسته‌گی	ارتباط
توانا	قادر

پرسشها:

- ۱- مطالعه چیست؟
- ۲- اولتر مطالعه کدام کتاب برای انسان ضروری است؟
- ۳- وقتی که کتابهای مفید را مطالعه نمودیم، در مقابل دیگر انسانها چه وظیفه را اجرا نماییم؟
- ۴- مطالعه به انسان چه فایده دارد؟
- ۵- علم و عمل با هم چه رابطه دارد؟

غمخواری و ترحم

بر سر بالین بیماران گذر
زانکه هست این سنت خیر البشر
تا توانی تشنه را سیراب کن
در مجالس خدمت اصحاب کن
خاطر ایتم را دریاب نیز
تا ترا پیوسته حق دارد عزیز
چون شود گریان یتیمی ناگهان
عرش حق در جنبش آید آن زمان
چون یتیمی را کسی گریان کند
مالک اندر دوزخش بریان کند
آنکه خندانند یتیم خسته را
بازیابد جنت در بسته را
در جوانی دار پیران را عزیز
تا عزیز دیگران باشی تو نیز

برضعیفان گر ببخشایی رواست
کاین زسیرتهای خوب اولیاست

شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری

لغت	معنی	لغت	معنی
ترحم	رحم کردن	سنت	طریقه و روش
خیر البشر	خوبترین انسانها (پیغمبر)	اصحاب	یاران پیغمبر
عرش	تخت	اولیا	جمع ولی، دوستان خداوند ﷺ

سپارش: مفهوم درس را شاگردان در کتابچه های خویش تحریر نمایند.

حکایت

گویند: بزرجمهر، قاصدی را به مدینه منوره فرستاد تا حضرت عمر رضی الله عنه را ببیند که چگونه مردیست. چون قاصد به مدینه منوره رسید، از مردمان مدینه منوره پرسید که: پادشاه شما کجاست؟ مردم گفتند: ما پادشاه نداریم، ما امیر داریم که حالا از دروازه شهر بیرون رفته است.

قاصد بزرجمهر بیرون شهر رفت و او را در حالی یافت که بر زمین در آفتاب خفته و زره زیر سر نهاده و عرق از پیشانی او روان شده و زمین تر شده بود. قاصد که آن حال بدید، دردل وی تأثیر بزرگ نمود. با خود گفت: کسی که همه پادشاهان عالم از هیبت او بیقرار باشند و او همچنین باشد؛ البته که او بر حق باشد. آنگاه گفت: یا عمر رضی الله عنه عدل کرده ای، خوش بخواب. ملوک ما ظلم میکنند، خواه مخواه میترسند و من شهادت میدهم که دین حق، دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. چون به قاصدی در این جا آمده ام و الا در حال مسلمان میشدم. میروم وظیفه خود را انجام میدهم و باز می آیم و مسلمان میشوم.

نصيحة الملوك امام غزالي رحمه الله عليه

معنی	لغت	معنی	لغت
خبررسان	قاصد	وزیر نو شیروان عادل	بزرجمهر
پادشاهان	ملوک	آمر و فرمانده مسلمان	امیر

سپارش:

شاگردان نتیجه حکایت بالا را به زبان خویش بیان نمایند.

علم

خرم گلی که بشگفتد از شاخسار علم
خوش سبزه یی که سر زند از جویبار علم
هر رنگ و بو که در چمنستان عالم است
گر نیک بنگری بود از برگ و بار علم
مرد از حساب علم، فزون رتبه میشود
هیچی چو صفر، اگر تو نه ای در شمار علم
از هرچه، درد بیخبری سخت تر بود
یارب، کسی مباد به جان شرمسار علم
از عاجزی اگر به رکابش نمیرسی
گردی شو و بگیر ره شهسوار علم
بگذشت وقت غفلت و نابخردی و جهل
آمد زمان معرفت و روزگار علم
بر آب میروند و به افلاک میپرنند
آنان که بسته اند کمر را به کار علم
از تار تلگراف خبر میدهد ترا
سر رشته یی به دست گرفتی ز تار علم

از بس رواج یافته دانش، نمیدهد
کودک زدست دامن آموزگار علم

حضرت سلمان فارس رضی الله عنه

آورده اند که: سلمان فارسی رضی الله عنه در یکی از شهرها امیر بود. عادت او در وقت امارت و حکومت نیز تغییر نکرده بود. گلیم میپوشید و پیاده راه میرفت و احتیاجات خانه خود را خودش تهیه مینمود.

روزی مردی سبدی خریده و به سر نهاده بود. شخصی را میخواست که آن را به خانه اش ببرد. ناگاه سلمان فارسی رضی الله عنه به آن جا رسید و آن شخص حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه را نشناخت و سبد را به وی داد تا به خانه اش برساند.

در راه مردی پیشروی او آمد و گفت: " ای امیر، این بار را به کجا میبری؟ صاحب سبد دانست که او سلمان فارسی و امیر است، طلب عفو کرد و گفت: مرا ببخش که ترا نشناختم و ندانستم. حضرت سلمان رضی الله عنه هیچ چیز نگفت و بار را به منزل رسانید و گفت: اکنون با عهد خود وفا نمودم. حالا تو عهد کن که دیگر کسی را به بیگار نگیری و کاری را که توان داشته باشی، خود اجرا کنی. در کمال تو کدام نقصان نمیرسد.

لغت معنی

امارت امیری و فرمانروایی
عفو بخشودن

پرسشها:

- ۱- حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه کی بود؟
- ۲- زنده گی حضرت سلمان فارسی در وقت امارت وی چگونه بود؟
- ۳- حضرت سلمان فارسی در مورد بیگار گرفتن اشخاص چه نظر دارد؟

حکایت

یکی در بیابان سگی تشنه یافت
بدون از رمق در حیاتش نیافت
کله دلو کرد آن پسندیده کیش
چو حبل اندران بست دستار خویش
به خدمت میان بست و بازو کشاد
سگ ناتوان را دمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد
که داور گناهان او عفو کرد
الا! گر جفا کاری، اندیشه کن
وفا پیش گیر و کرم پیشه کن

که حق با سگی نیکویی گم نکرد
کجا گم کند خیر با نیک—مرد؟

سعدی

لغت	معنی	لغت	معنی
رمق	نفس آخر	داور	خداوند ﷻ و کسی که میان نیک و بد حکم کند.
کیش	مذهب	الا	ای، با خبر و آگاه باش
حبل	ریسمان	کرم	احسان

سفارش:

- ۱- شاگردان مفهوم درس فوق را به زبان خود بیان کنند.
- ۲- بیت های فوق را شاگردان در کتابچه های خود مشق نمایند.

عریضهٔ شمول به مکتب

محترم رئیس صاحب معارف،

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

این جانب (.....) فرزند (.....) درسال (.....) از صنف ششم مکتب (.....) واقع (.....) فارغ گردیده ام. میخواهم تحصیلات خود را بالاتر از صنف ششم ادامه بدهم. لطفاً امر شمولیتم را به یکی از مکاتب عالی عنایت فرمایند و ممنون سازند.

والسلام

(.....)

سپارش:

- ۱- معلم صاحب پرکردن جاهای خالی را با شاگردان عملی نماید.
- ۲- معلم صاحب عریضهٔ فوق را بالای شاگردان مشق و تکرار نماید.

سخنی از گلستان سعدی

حکیم فرزند خود را وصیت کرد: تا توانی در طلب علم و جمع مال سعی بلیغ به جا آور که اینای زمان از دو قسم بیرون نیستند: اگر خواص اند، به جهت علم تو را تکریم کنند و هرگاه عوام، به سبب مالت تفخیم نمایند.

قطعه

گر نشد مال، رو تو علم آموز
که بود نفع آن ز گنج اولی
مال فانی شود به گردش دهر
علم پیوسته باقی است تورا

معنی	لغت	معنی	لغت
عزت	تکریم	دانا	حکیم
تعظیم و بزرگ کردن	تفخیم	کوشش	سعی
بهتر	اولی	رسا، به رسایی	بلیغ
نیست و نابود شونده	فانی	زمانه	دهر
		مردم خاص، عالم	خواص

مناجات

پادشاه، جرم ما را درگزار
ما گنهگاریم، تو آمرزگار

تو نکو کاری و ما بد کرده ایم
جرم بی اندازه، بی حد کرده ایم

بی گنه نگذشت بر ما ساعتی
با حضور دل نه کردیم طاعتی

بر در آمد بنده بگریخته
آبروی خود ز عصیان ریخته

چشم دارم کز گنه پاکم کنی
پیش از آن کاندر لحد خاکم کنی

اندر آن دم کز بدن جانم بری
از جهان با نور ایمانم بری

شیخ فرید الدین عطار

ابو علی سینا

ابن سینا حکیم و فیلسوف مشهور قرن چهارم هجری است که صیت فضل و شهرتش شرق و غرب عالم را فرا گرفته و مخصوصاً در عصری که او میزیسته، فی‌مابین همقطارانیش در فضیلت، حکمت و علوم دیگر کمتر نظیر و عدیل داشته است؛ بلکه اغلب او را به منزلهٔ ارسطو و سقراط دانسته اند و بو علی در عالم اسلام به نام شیخ الرئیس پیشوای حکما و اطبای اسلامی شناخته شده و در اروپا از قرن وسطی تا به حال به اسم (اویسن) معروف گردیده است؛ چنانچه بسیاری از تألیفاتش از قدیم به لاتین ترجمه شده و در اکثر مدارس دنیا مورد استفادهٔ شاگردان بوده است.

پدر شیخ الرئیس، عبدالله از مردمان روشناس بلخ و مامور امور دیوانی آن بلاد بوده که در زمان منصور عبد الملک سامانی به بخارا رفته و به قریهٔ (خرمیشن) به مأموریتی تقرر یافته است. مادرش ستاره از قریهٔ (أفشنه) میباشد. اسم اصلی او ابو علی حسین و مولدش خرمیشن است. از سن پنج ساله -گی پدرش او را برای تحصیل به بخارا آورد و به معلمش سپرد. بعداً به آموختن علم دین و اصول ادب مشغول گشت. علم حساب را از محمود مساح، فقه را از اسماعیل زاهد و منطق را از ابو عبد الله ناتلی آموخت؛ اما در تحصیل هندسه، استاد او پس از دوسه درسی عاجز آمد و خودش به مطالعهٔ کتاب اقلیدس آشنا شد.

پس از اینها علم طب را از حسن بن نوح فراگرفت و در این علم دارای لیاقت بسزا گردید و امراض صعب را علاج کرد. بعضیها مینویسند که: شیخ الرئیس در سن هجده ساله گی از تحصیل فراغت یافت و برخی میگویند، در سن بیست ساله گی دو باره آمادهٔ تحصیل گردید. به هر حال در مطالعات فلسفی و طبی زحمات زیادتری را متحمل شد.

سرور جويا

معنی	لغت
آوازه	صیت
مانند	عدیل
شهر	بلد
از آغاز، از ابتدا	بدواً
مشکل	صعب

پرسشها:

- ۱- ازین نوشته چی دانستید؟
- ۲- ابن سینا کی و از کجا بود؟
- ۳- کارهای مهم او چی بود؟ نام بگیرید.

مرغ و قفس

قضا را مرغکی بیچاره زار
 به دست طفل شوخی شد گرفتار
 به زندان قفس بنمود جایش
 فزوده دانه و آبی برایش
 مراعاتش چوجان خویش میکرد
 ولی مرغک تأسف بیش میکرد
 به یادش آمدی چون باغ و بستان
 نیاسودی دمی از شور و افغان
 چو از یاران گلشن یاد میکرد
 فغان و ناله و فریاد میکرد
 کسی گفتش که: این شور و فغان چیست؟
 فراغ البال میباید ترا زیست
 خدایت خانه یی داده است زیبا
 که میباید ستونهایش مطلا

زخورد و نوش هم آماده داری
 دگر بهر چه دایم بیقراری
 بگفتا: هست حرفت جمله مقبول
 مرا هم لیک عذری هست معقول
 همیشه شور و فریادم از آن است
 که آسایش نه تنها آب و نان است
 قفس زیبا و آب و نان فراوان
 بود با این همه با من چو زندان
 مرا از زنده گی اکنون چه لذت
 که گردد صرف عمرم در اسارت
 کسی این جا بود آسوده احوال
 که بتوان زد به کام خود پروبال
 اگر قیدی به عالم می‌پسندی
 به آزادیت باید پای بندی

عبد الحق بیتاب

معنی	لغت
آسوده خاطر	فراغ البال
قید و بند	اسارت

پرسشها:

- ۱- چرا مرغک شور و فغان میکرد؟
- ۲- دلایلی را که در منظومه از زبان مرغک اسیر آمده است، بیان کنید.
- ۳- از آزادی چی میدانید؟

سپارشها:

- ۱- این منظومه را حفظ کنید.
- ۲- حکایت را به زبان خود بگویید.

غنچه دل

بار دگر فصل بهاران رسید
موسم سرو و گل و ریحان رسید
بلبل شوریده به بستان رسید
مست و پرافشان و غزلخوان رسید

غنچه من، ای دلک تنگ من،
باز شو

رو به چمن، ناله بلبل شنو

دشت و دمن خرم و شادان نگر
هر طرف از لاله چراغان نگر
خیل غزالان به بیابان نگر
سر خوش و آزاد و خرامان نگر

ای دل در مانده بیتاب و تب،

چند خواب؟

خیز و زمانی سوی صحرا شتاب

بر سر کهسار نگر ابر تر
درزده از رعد به جان شور و شر
روی زمین شسته به آب مطر
سیل برآورده ز هر گوشه سر

ای دل افسرده، تو هم یاد گیر،

مستی!

خیز و نشانی طلب از هستی

خیز، دمی جانب دریا ببین
موجه‌پر شور به غوغا ببین
گه به ثری گه به ثریا ببین
کف به لب و مست و طربزا ببین

ای دل افسوده، روان صفا،
تا به چند؟

موج طرب‌خیز و تو باشی نژند

محمد ابراهیم صفا

پرسشها:

- ۱- این شعر در باره چی سروده شده است؟
- ۲- شاعر به چه کسی خطاب کرده است؟

آفتاب طلوع کرد

ای کودک زیبا،

از گهواره بر خیز و مانند مرغکان مست گلشن که در آسمان بهاری این
سو و آن سو می‌پزند بخرام. حالا وطن و زادگاه تو از توست.
گریه مکن. بخند؛ مانند صدای بال کبوترانی که در میان دره های تنگ می
پیچد و شور و شوق می آفریند.

تو موجودی هستی پاک و معصوم، آن روزگاران سیاه گذشت که
تو از وحشت جنگ و راکت میترسیدی و خود را در امن احساس نمی‌کردی.
اکنون فضای صلح و آشتی به میان آمده است. به شادی زنده گی کن. ستمگران
و جود ندارند که بر تو اهانت کنند. تو دیگر بچه مهاجر به دیار بیگانه‌گان
نخواهی بود؛ زیرا دستان زورمندان شکسته است.

لغت معنی

معصوم پاک و بیگناه
اهانت تحقیر، خوار کردن

مادران صلح می‌خواهند

<p>ای میوه زنده گانی من از کودکی و جوانی من در روی تو می‌کنم تماشا آینده پرسعادت را چون اختر بخت تو درخشان آرام دلست و راحت جان چون حلقه فتد به گردن من لرزد ز محبت تن من از خود گذرد برای فرزند با مهر کند فدای فرزند وی نوگل زنده گانی من یک لحظه ترا به دست دشمن</p>	<p>ای کدوک دلفریب زیبا آینه روشن است رویت من عمر عزیز رفته ام را بینم ز دریچه های چشمت چشمت دو ستاره درشت است بوی نفیس معطر تو آنکه که دودست کوچک تو گویی بوم جهان در آغوش مادر چه فدایی ای عجیبیست مادر دل و جان وزنده گی را ای کودک دلنشین زیبا گرسر بدهم، نمی سپارم</p>
---	--

معنی	لغت	معنی	لغت
خوشبو	معطر	خوش آیند	دلفریب
آشتی	صلح	بزرگ و کلان	درشت

پرسشها:

- ۱- مادر برای فرزندش چی می‌خواهد؟
- ۲- مادران از چی نفرت دارند؟
- ۳- مادران به چی لعنت می فرستند؟
- ۴- مادران چرا از جنگ نفرت دارند؟



۱۶ جوزا ۱۳۸۱
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

تساوی از لحاظ حیثیت و حقوق

کرامت انسان طبق احکام دین مبین اسلام، چه در دوران حیات و چه در دوران بعد از مرگ، محفوظ بوده و هیچ نوع توهین و تحقیر وی جواز ندارد، در کتاب صحیح البخاری آمده: روزی حضرت پیغمبر(ص) با یارانش جایی نشسته بودند که جنازه‌ی از حضور شان گذشت، در حین عبور جنازه، حضرت پیغمبر(ص) برای احترام جنازه از جای برخاست، یاران آنحضرت هم ایستاده شدند و بعد از گذشت جنازه، یاران به ایشان گفتند: آن جنازه یک یهودی بود. حضرت پیغمبر(ص) در پاسخ فرمودند: "آیا انسان نبود؟"



۱۶ جوزا ۱۳۸۱
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

خداوند همه انسانها را برابر آفریده و هیچ فرد و گروهی بر فرد و گروهی دیگر برتری و امتیاز ندارد.

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.
(بند اول ماده بیست دوم قانون اساسی افغانستان)

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند، همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

(ماده یک، اعلامیه جهانی حقوق بشر)

عادات بد و نتایج آن

حامد و حمید دو دوست مهربان در یک شهر زنده‌گی میکردند. این دو از دورهٔ کودکی در مکتب نزدیک خانهٔ خود تا صنف یازدهم درس خواندند و قصد داشتند که همین طور تعلیم خود را تا اخیر دوام دهند.

در این فرصت پدر حامد که مامور دولت بود نظر به شرایط کار به شهر دیگر تبدیل شد. او و خانواده‌اش در گوشه‌یی از این شهر خانه گرفتند. حامد در این شهر دوستان و همراهان خوبی یافت. او با دوستان جدیدش یا به تکرار درسهای مکتب و انجام کارهای خانه‌گی اش می پرداخت و یا به این که وقت خود را به فعالیت‌های ورزشی میگذراند. چندی بعد حامد به پوهنتون شامل شد و به تحصیل خود ادامه داد و پس از چند سال توانست، در همان شهر اولی خود به حیث داکتر مقرر شود. حامد که جوان هوشیار و لایق بود، به عموم مریضان رسیده گی میکرد و وظیفهٔ خود را به درستی و صداقت انجام میداد.

حمید که پدر را از دیروقت از دست داده بود، پس از جدا شدن از حامد، در مانده و پریشان خاطر شده بود، و پیوسته احساس تنهایی میکرد. او یک روز با جوانی رو برو شد. جوان با تبسم از حمید خواست تا با جمعی از دوستانش بپیوندند. این جوان نا اهل حمید را با دوستانش که در یک باغ مصروف کشیدن سگرت و استعمال نسوار بودند، معرفی نمود. حمید که از عاقبت این عمل آگاهی نداشت، نادانسته به آنان پیوست و سر انجام راهی را در پیش گرفت که انجام و پایان خطرناکی داشت.

حمید بعد از رو برو شدن با دوستان ناهل، از درس و تعلیم دور مانده بالاخره علیل و مریض شد.

حامد که در شهر اولی خود به حیث داکتر مرکز صحتی مقرر شده بود، خواست که حمید را بیابد و از حال او خبر شود؛ اما او به این کار موفق نشد. روز دیگر که حامد به طرف مرکز صحتی روان بود؛ با تعجب دید که حمید نزدیک دروازهٔ مرکز صحتی به دیوار تکیه داده است. او حمید را شناخت؛ ولی باورش نمیشد. روی هم‌رفته به او نزدیک شد و بادیدن حمید دانست که مشکل چیست؟

حامد از دیدن این حالت فوری دست به کار شد و او را داخل بستر نمود و به تداویش آغاز کرد. پس از یکی دو هفته حمید صحت خود را بازیافت و قادر به ترک عمل خود شد؛ اما حامد به این هم قناعت نکرد و در همان مرکز صحتی برای او کار پیدا کرد و بعد او را شامل کورس نرسنگ نمود. حمید پس از چندی نرس لایق و مشهور مرکز صحتی شد.

یک روز که حامد و حمید در باغ مرکز صحتی راجع به وضع صحتی مریضان صحبت میکردند، حمید رو به حامد کرد و گفت: پیوستن من با آن اشخاص اشتباهی بود و گذشت. من در این جریان نهایت رنج دیدم. دیگر این عمل تکرار نخواهد شد. از همدردی و مهربانی شما نهایت خوشحال و متشکرم.

سپارشها:

۱. یک تن از شاگردان این قصه را در صنف به زبان خود بگویند.
۲. معلم ضرر عادات بد را به شاگردان به زبان ساده توضیح کند.

پرسشها:

- ۱- چرا حمید عادات بد را پیشه کرد؟
- ۲- کی او را به این مصیبت انداخت؟
- ۳- کی او را از این خطر نجات داد؟
- ۴- چرا ما در انتخاب دوستان خود دقت کنیم؟

کارخانه گی:

شاگردان در مورد ضررهای همنشین بد هشت سطر از یاد بنویسند.

اقسام ماین و جلوگیری از خطر آن

ماینها اقسام زیاد و اشکال مختلف دارند. بعضی از آنها به شکل استوانه یا صندوق و بکس و یا به شکل شاپ پره میباشند. بعضی دیگر به شکل بازیچه های اطفال و یا رادیوهای خورد و کوچک هستند. در کتابها و مجله ها هم میتوانید، شکل آنها را ببینید و آنها را بشناسید.

برای این که خود و دیگران را از خطر آنها محافظت کرده باشید، در جاهایی که دور آن سنگ چیده شده و یا گرد آن کتاره شده باشد و یا به رنگ سرخ نشانی گردیده باشد، رفت و آمد نکنید. حتی اگر در بعضی جاها به این علامات و آثار روبرو شدید، از همان راهی که آمده اید، قدم به قدم برگردید؛ به راههایی که در آن رفت و آمد نباشد، هرگز نروید؛ به ویرانه ها و خرابه ها داخل نشوید. هرگاه این قسم چیزها را دیدید، به آن نزدیک نشوید و دست نزنید. هرچه زودتر کارکنان ماین پاکی را در جریان بگذارید تا آنان با وسایل دست داشته خود در پاک کاری آن دست به کار شوند. باید همیشه به پروگرامهای رادیو در این مورد گوش بدهید. حرف اشخاصی را که به این مسایل آگاه اند، بشنوید و مطابق آن عمل کنید و به این ترتیب خود و اطفال دیگران را که بیشتر قربانی این ماینها میگردند، از خطر نجات دهید.

سپارشها:

- ۱- یکی از شاگردان این درس را به زبان خود بگوید.
- ۲- شاگردان این درس را در خانه به پدر، مادر، برادران، خواهران، همسایه گان و همسالان خود بگویند.

پرسشها:

- ۱- ماینها چه شکلی دارند؟
- ۲- چطور خود و دیگران را از ماینها حفاظت کنیم؟

ضرر های تنباکو

استعمال تنباکو از چند قرن به اینطرف عام گردیده است. مردم آن را به اشکال مختلف، چون سگرت، نسوار و غیره استعمال میکنند. تنباکو دارای مواد بسیار مضر و زهرناک؛ چون نیکوتین و بنزویین است. تنباکو به هر شکلی که گرفته شود، مواد مضره فوق الذکر داخل بدن میگردد.

آنهايي که در جمعیت مردم (در خانه، دفتر و یا مکتب) تنباکو دود میکنند. به طور غیر مستقیم این مواد مضره را داخل وجود آنها نیز مینمایند. چون مواد مخدر به بسیار آسانی از طریق بینی و دهن جذب میگردد. قرار گفته یکی از متخصصین، حیوانات و پرندگان میل ندارند به گیاه تنباکو نزدیک شوند؛ زیرا که آنها با وجودیکه حیوان هستند؛ اما شعور دارند و به همان شعور طبیعی خود ضررهای این گیاه خطرناک را میدانند.

شفاخانه

ساختن جایی که در آن بیماران تحت مراقبت و تداوی قرار میگیرند، فکر تازه نیست. از قدیم انسانها برای تداوی مریضان شفاخانه ها ساخته اند. در گذشته ها مانند امروز تداوی نمیکردند. یک یا چند طبیب تمام امراض شناخته شده آن وقت را تداوی مینمودند؛ اما امروز هر مرض متخصص جداگانه دارد. امروز داکتران و پرستاران مریضان را مراقبت میکنند و در شفاخانه های دولتی کشور ما معالجه مریضان مجانی است.

کارگران هر روز بسترها، روجایی ها، دوشک ها، بالش ها، اتاقها و محیط شفاخانه را پاک می کنند. چرا که ناپاکی ها باعث انتقال میکروبها و مریضی انسان میگردد.

نظافت محیط خانه، مکتب، شفاخانه و جای کار را باید در نظر داشت. چون حضرت پیغمبر ﷺ فرموده اند:
(نظافت جزء ایمان است.)

سپارش:

۱- معلم صاحب بالای شاگردان پارچه تمثیلی در مورد نظافت محیط زیست عملاً در صنف اجرا نماید.

میوه تازه را پیش از خوردن باید شست

جمشید از کانتین مکتب میوه میخرد و آن را ناشسته میخورد. چون میوه را ناشسته میخورد، در نزدیکهای امتحان سالانه مریض شد و از امتحان بازماند. یک روز با او رو بروشدم و برایش گفتم: دوست عزیز، وقتی میخواهی میوه بخوری، باید آن را پاک بشویی و بعد آن را بخوری.

بر هر کس لازم است که قبل از خوردن میوه، آن را بشوید. مخصوصاً میوه هایی که دارایی پوست ضخیم نمی باشند. سبزیها را نیز، باید قبل از صرف کردن بشوییم. برای شستن سبزیها اگر از کلورین یا نمک کارگرفته شود بهتر خواهد بود.

غذاهای مفید



برای آنکه صحتمند باشیم باید از انواع غذاهای پروتئین دار، انرژی بخش و غذاهایی که خاصیت محافظوی داشته باشند، استفاده نماییم.

۱- غذای پروتئین دار: این غذا در نمودی اعضای بدن و انکشاف عضلات، نقش دارد. ما باید از غذاهایی که دارای پروتئین باشد استفاده کنیم، این غذاها عبارت اند از: گوشت، شیر، تخم، ماهی، پنیر، لوبیا، نخود، دال و ...

۲- غذای انرژی بخش، غذایی است که: برای بدن قوت و انرژی می دهد و آنها عبارت اند از: جواری، برنج، گندم، کچالو، نیشکر، عسل و ...

۳- غذای محافظوی غذایی است که: بدن را از مریضی ها محافظت می کند و نمی گذارد که انسان زود مریض شود؛ مانند: انواع سبزیها و میوه ها.

معنی	لغت
قوت	انرژی
حفاظت کننده	محافظوی

رخصتی عمومی

شاگردان در صحن مکتب مشغول بحث در مورد امتحان و رخصتی عمومی بودند. وقتی زنگ آغاز درس نواخته شد، آنان دسته، دسته به صنف داخل شدند. معلم هم در این فرصت با دسته بی از شاگردان داخل صنف شد. معلم از حرفهای شاگردان دریافت که آنان راجع به امتحان و رخصتی عمومی صحبت می‌کنند. در این فرصت معلم موقع را غنیمت شمرد و گفت: "شما امروز حتماً در باره امتحان و رخصتی عمومی سخن می‌گویید. من هم یکی دو نکته گفتنی دارم که باید برای تان بگویم. و سپس به گفتار خود چنین ادامه داد:

بعضی از شاگردان معمولاً به مقصد کامیاب شدن درس می‌خوانند و به مجردی که از امتحان گذشتند، دیگر همه چیز را فراموش میکنند. به فکر من این کار عمل درستی نیست. باید شاگردان از آن خودداری کنند. از این که بگذریم، در ختم امتحان رخصتی طولانی در پیش داریم. باید از این فرصت استفاده کرد. یکی در جریان رخصتی عمومی مطالعه کتب مخصوصاً کتبی که شاگردان را برای سال آینده آماده سازد مهم است، گرفتن بعضی کورسهای ممد درسی مکتب هم خالی از فایده نیست. در پهلوی آن باید به کاری یا شغلی دست زد که مفادی در پی داشته باشد.

مقصد این است که شاگردان باید در پهلوی درس مکتب، به یکی یا دو پیشه حیاتی هم آشنایی حاصل کنند؛ اما آنچه بسیار مهم است، انجام کارهای خانه گی است که از طرف مکتب برای شما داده میشود. به نظر من رخصتی عمومی فرصت بسیار مناسبی است که از آن باید به طور معقول استفاده کرد و نباید این فرصت طلایی را بیهوده از دست داد.

(نیت پانچور)



وزارت مبارزه علیه مواد مخدر

جوانان عزیز!

استعمال مواد نشئه آور، امراض مهلکی چون ایدز، زردی
و غیره را همراه دارد.

به اساس حکم ماده هفتم قانون اساسی کشور، کشت کوکنار
و سایر مواد مخدر جرم پنداشته میشود.

ضرر رساندن به خود یا به دیگران در اسلام جایز نیست.